

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۹

ولفگانگ مایا هوبر از لوفت هانزا، رالف گونیش از شرکت بایرسدورف و مارتین کوهاسن، رییس کمرس بانک به کشورهای اتیوپی، کنیا، گانا و آفریقای جنوبی سفر کرد.

دیدار نخست در اتیوپی و با نخست وزیر این کشور، زناوایی و نماینده اتحادیه آفریقا که مرکز آن در این کشور مستقر است، صورت گرفت. در این ملاقات، صدر اعظم آلمان طی سخنرانی خود و پس از دادن قول یک "شراکت صادقانه" با یادآوری این امر که این تنها یک پیمان اخلاقی است از تعارف کم کرده و به مبلغ می افزاید و می گوید: "اما این یک مسئله اقتصادی و حس عام سیاسی نیز هست." او اضافه می کند تا زمانی که تضاد و اختلاف در همسایگی اروپا وجود داشته باشد، این قاره نمی تواند آزاد باشد. البته در گذشته هم او نگرانی خود پیرامون رخنه خشونت و تروریسم از آفریقا به اروپا را بارها بیان کرده است.

منزلگاه بعدی شرودرکنیا بود. در حال حاضر و از اوایل سال جاری، این کشور به رهبری موای کیباکی، رهبر اتحاد رنگین کمان و تحت شعار "مبارزه با فساد" اداره می شود. آقای شرودر از کیباکی که کاملاً با قدرتهای غربی کنار آمده است، قدردانی کرده و قول دو برابر کردن کمک آلمان و افزایش آن به ۵۰ میلیون یورو را می دهد. این پول می بایستی به مصرف توسعه کشاورزی خصوصی و پیشبرد برنامه های آب و انرژی و همچنین آموزش نیروهای پلیس توسط متخصصین آلمانی و همچنین همکاری نیروهای امنیتی دو کشور برسد. شرودر در ضمن متعهد شد که موانع تجاری تحمیل شده اتحادیه اروپا برای کشور را کاهش دهد.

آلمان در کنیا که برای محصولات و صنایع این کشور پتانسیل بازرماناسی را دارد، پس از انگلیس، بزرگترین سرمایه گذاری را داشته است. کنیا که برای تشویق سرمایه گذاری بسیار فعال عمل می کند و شرایط سهلی برای سرمایه گذاری ایجاد کرده است، همچنین سمبل ثبات در آفریقا به حساب می آید. اگر چه با بمب گذاری در سفارت آمریکا در نایروبی در سال ۱۹۹۸ و چند هتل در ۲۰۰۲، در این ارزیابی تزلزل ایجاد شد اما نتیجه آن همکاری بیشتر آلمان با نیروهای امنیتی این کشور بود.

توقف بعدی
صدر اعظم
آلمان در
آفریقای جنوبی
و ملاقات با
تابو بکی
رییس دولت
این کشور بود.
او نتیجه
گفتگوهای دو
طرف را این
چنین اعلام

می کند: "ما اختلافاتمان را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که اختلافی با هم نداریم" در واقع اختلاف بین این دو کشور بیشتر بر سر بر خورد این دو با زمبابوه بوده است. اتحادیه اروپا خواستار بر کناری رییس جمهور این کشور، رابرت موگابه و جایگزینی او با دولتی که با غرب همداستان باشد، بوده است. از اوایل سال ۲۰۰۲، اتحادیه اروپا به تحریم سیاسی این کشور و قطع کمک مالی به آن اقدام کرده است. این در حالی است که آفریقای جنوبی از موگابه حمایت می کند. برای آلمان انگست گذاشتن برمساله حقوق بشر در این کشور که در آن منافع اقتصادی آلمان مطرح نیست، آسان می باشد واز این رو بر آن پافشاری می کند. این در حالی است که تجربه نشان داده چنانچه پای این منافع در میان باشد، حرفی از حقوق بشر برده نمی شود. در چند سال اخیر، فعالیت های تجاری آلمان در آفریقا، به بیش از ۲۳ میلیارد یورو رسیده است. تنها در آفریقای جنوبی، ۴۵۰ کمپانی که هفتاد هزار نفر را در صنایع شیمیایی، اتوموبیل، برق و مهندسی به کار گرفته اند، حضور دارند.

آفریقای جنوبی که بزرگترین قدرت اقتصادی قاره آفریقا است، برای آلمان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. مرسدس بنز، بیش از ۵۰ سال است که در صادرات خود به آسیا و استرالیا، این کشور را پایگاه خود قرار داده است. پایان آپارتاید نیز زمینه مناسب تری برای رشد اقتصادی این کشور ایجاد کرده است. کلاوس دان، یکی از اعضای هیات همراه شرودر، کنترل ۱۳ کمپانی را در آفریقای جنوبی در اختیار دارد که چهارده هزار نفر را به استخدام گرفته است. در یک مصاحبه با فرانکفورتر روندشاول، از دان سوال می شود که چرا به جای آفریقا در چین محصولات خود را تولید نمی کنید. پاسخ او برای آگاهی به اهداف سرمایه گذاری یاد شده بسیار روشنگرانه است. او می گوید: "اگر کسی بخواهد محصولی به منظور



صادرات به آلمان تولید کند باید برود چین، با در نظر گرفتن سطح دستمزد در این کشور، اما مردم آفریقای جنوبی قادر به خرید کالای تولید شده در چین نیستند. اگر بخواهی برای استفاده منطقه ای

تولیدات داشته باشی. اینجا جای مناسب تری است. ۴۵ میلیون نفر در آفریقای جنوبی زندگی می کنند که ۸۰ درصد آنها این پتانسیل را در آینده دارند که مصرف کنند باشند. وقتی پول داشته باشند می توانند بخرند. نرخ رشد در اینجا ۱۵ تا ۲۰ درصد بوده است." او سپس از کنگره ملی آفریقا NAC که زمانی از سوسیالیسم دفاع می کرد و اکنون آنرا به کناری زده ستایش کرده و می گوید "تماشای اینکه با چه سرعتی ایده های گذشته را در سطل اشغال ریختند و به گلوبالیزاسیون پیوستند بسیار مجذوب کننده است. بویژه نلسون مندلا که فوراً درک کرد ایده های سوسیالیستی به تاریخ پیوسته اند. این پدیده جالبی است. سیاست های اقتصادی ما سریعتر تحت سیستم کمونیستی پیش می رود تا در دوران آپارتاید." کلاوس دان از سیاست خدماتی آلمان و حزب سوسیال دموکرات نیز انتقاد کرد و گفت: "اکنون باید برخاست و به راه افتاد" و دلایلش را هم این دانست که مردم آفریقای جنوبی چاره ای ندارند جز اینکه از جای خود تکان بخورند. او گسترش جهانی سازی که برای سرمایه داران بزرگ ثروت و قدرت و برای مردم فقیر اسارت و کار بیشتر با مزد کمتر ایجاد می کند را اهداف کلی نفوذ در آفریقا خواند.

شرودر، در پایان سفر خود از غنا دیدار کرده و از "مرکز آموزشی کوفی عنان" برای سربازان آفریقایی نیروی حافظ صلح، بازدید نمود. تاکنون دولت آلمان با هدف جلوگیری از بروز اختلافات و درگیریها در این کشور، مبلغ قابل ملاحظه ای که بیش از ۲/۱۵ میلیون یورو را در برمی گیرد، به مرکز موزور کمک کرده است.

همراه با حضور هرچه بیشتر قدرتهای اروپایی در صحنه سیاسی و اقتصادی آفریقا، حضور نظامی آنان نیز گسترش می یابد. کشورهای انگلیس و فرانسه در امر دخالت نظامی در این منطقه هنگام بروز اختلافات، بسیار پافشاری داشته اند. این تا جاییست که فرانسه معتقد است اروپا باید با به پای آمریکا،

نقش نظامی مهمی در جهان داشته باشد. بنابه مطلبی درج شده در مجله اشپیگل، در نشست بروکسل، برنامه های آتی برای دخالت نظامی اتحادیه اروپا در آفریقا طرح شده است. در این برنامه، آلمان با فرستادن ۱۸ هزار سرباز برای تکمیل نیروی ۶۰ هزار نفره اتحادیه اروپا در این منطقه، نقش پر قدرتی را ایفا می کند. البته شکی نیست که به خاطر مخالفت مردم این کشور، نیروهای مزبور به طور تدریجی و در ابتدا تحت نام کمکهای انسانی وارد این منطقه خواهند شد، مانند آنچه در کشورهای بالکان رخ داد. سپس ناظرین و متخصصان و در خاتمه "دسته کوچکی از سربازان" وارد عمل خواهند شد.

با این حال، آلمان تنها قدرت غربی نیست که به این منطقه از جهان توجه نشان می دهد. فرانسه نیز سربازان خود را به مستعمره سابق خویش، ساحل عاج، فرستاده است. قدرتهای اروپایی در رقابت با آمریکا قرار گرفته اند. در سال ۱۹۹۷، آمریکا نقش فعالی در سرنگونی دولت موبوتو در زبیرکه مورد حمایت فرانسه بود، بازی کرد. در واقع با سلاحهایی که سازمان سیا در اختیار رهبر مخالفین او، کابیلا، قرار داد این اقدام میسر گردید. در سال ۲۰۰۳، واشنگتن نیروهای خود را به لیبیا که در نتیجه جنگ داخلی از هم گسیخته شده بود، فرستاد. سال گذشته نیز بوش، رییس جمهور آمریکا، برای پیشبرد منافع کشور خود، به سلسله سفرهایی در این کشور دست زد. "قاره فراموش شده" آفریقا از آن جهت توجه قدرتهای بزرگ غرب را دارای برانگیخته است که دارای ذخایر سرشار از مواد خالص، یک بازار با پتانسیل رشد بسیار و نیروی کار ارزان می باشد. کشورهایی چون نیجریه و کنگو که دارای ذخایر عظیم نفتی هستند، نیز نظر این قدرتها را به سوی خود جلب کرده اند. اگرچه قدرتهای یاد شده تلاش می کنند با ماسک کمکهای انسانی پیشروی خود در این گوشه از جهان و سود جویی از ذخایر طبیعی و نیروی انسانی آن را بیوشانند. در انتها حاصل این اقدامات، منافی برای مردم، بویژه کارگران کشورهای اروپایی که کار خود را به دلیل سود جویی کارفرمایان از کار ارزان در دیگر کشورها از دست می دهند و همچنین برای کارگران آفریقایی که با درآمد پایین و بدون هیچگونه تامین اجتماعی به کار کشیده می شوند، دربرندارد.